



تربیت نسل آرمان‌خواه؛ مأموریت ممکن خانواده در دنیای مدرن

خانواده‌ها همواره نخستین مدرسه زندگی برای فرزندان بوده‌اند؛ جایی که باورها، ارزش‌ها و هویت شکل می‌گیرد. تجربه نوجوانان دهه ۵۰ نشان می‌دهد بسیاری از حرکت‌های انقلابی آن دوران، ریشه در تربیت خانوادگی داشت.

خانواده‌ها همواره نخستین مدرسه زندگی برای فرزندان بوده‌اند؛ جایی که باورها، ارزش‌ها و هویت شکل می‌گیرد. تجربه نوجوانان دهه ۵۰ نشان می‌دهد بسیاری از حرکت‌های انقلابی آن دوران، ریشه در تربیت خانوادگی داشت. امروز اما با تغییر سبک زندگی، گسترش فناوری و کاهش انسجام خانواده‌ها، پرسش مهم این است که آیا خانواده هنوز می‌تواند نسل آرمان‌خواه و مؤمن را پرورش دهد؟

نقش خانواده در پرورش نسل انقلابی‌همزمان با ایام ۱۳ آبان، روز دانش آموز و خروش استکبارستیزی، این پرسش، کلید بسیاری از پاسخ‌های فرداست: «نیروی انسانی متعهد و آگاهی که باید پرچم دار مبارزه با استکبار در عصر حاضر باشد، چگونه باید تربیت شود؟»

در این راستا ایکن‌ها به قلب کانون‌های تربیت رفته است؛ از خانواده به عنوان نخستین سنگر خودباوری، تا مدرسه در جایگاه کانون تعلیم تفکر؛ از مسجد به عنوان پایگاه تربیت دینی و اجتماعی، تا رسانه در نقش جبهه پیچیده امروز؛ تا در گفت‌وگو با کارشناسان و دغدغه‌مندان عرصه تعلیم و تربیت دریابیم چگونه می‌توان نسلی «هوشمند»، «ایمان‌محور» و «اثربخش» پرورش داد تا در میدان نابرابر مبارزه فرهنگی و سیاسی امروز، نه تنها مغلوب نشود، که سربلند و پیروز میدان باشد.

خانواده، نخستین و تأثیرگذارترین نهاد در تربیت «نسل مقاوم» است. در اولین قسمت از پرونده «دانش آموز آگاه» به این پرسش کلیدی می‌پردازیم که چگونه می‌توان در کارگاه تربیت خانواده، بذر استکبارستیزی، مسئولیت‌پذیری و شعور مبارزه با ظلم را در وجود دانش‌آموزان کاشت؟

خانواده، در هر دوره‌ای از تاریخ ایران، یکی از بنیادی‌ترین نهادهایی بوده که هویت فرد و جامعه در بستر آن شکل گرفته است. نگاهی به روزهای پرشور انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که ریشه‌های بسیاری از حرکت‌های دانش‌آموزی آن دوران، در دل خانواده‌ها جوانه زده است.

دانش‌آموزان دهه پنجاه، همان‌هایی که بعدها در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ لانه جاسوسی آمریکا را تسخیر کردند، محصول خانه‌هایی بودند که روح ایمان، غیرت و آرمان‌خواهی در آن‌ها جریان داشت. خانواده‌هایی که سال‌ها با شور و اشتیاق، سخنان امام خمینی(ره) را از طریق اعلامیه‌ها، مساجد و نوارهای سخنرانی دنبال می‌کردند. با وجود فشارها و محدودیت‌های رژیم پهلوی، پدران و مادران انقلابی پای منبر استادانی چون شهید مطهری می‌نشستند و فرزندان‌شان را نیز همراه خود می‌بردند. همان کودکان، بعدها نوجوانانی شدند که آموختند آرمان داشته باشند، برای آرمان‌شان بایستند و اگر لازم شد، در راه آن بجنگند.

جنگ برای آن نسل، فقط میدان نبرد نظامی نبود؛ از نگاه آنان، مبارزه از همان روز ۱۳ آبان آغاز شد. نوجوانانی که شاید سن و سال زیادی نداشتند، اما آن قدر روحیه انقلابی و عشق به امام خمینی در دلشان زبانه می‌کشید که نمی‌توانستند در برابر ظلم و وابستگی حکومت پهلوی سکوت کنند.

امروز، با گذر زمان و تغییر سبک زندگی، خانواده‌ها چهره‌ای متفاوت یافته‌اند. پیشرفت فناوری، گسترش فردگرایی و کم‌رنگ شدن صله رحم، فضای تربیتی خانه را دگرگون کرده است. در این میان، پرسش مهمی مطرح می‌شود که آیا هنوز خانواده می‌تواند نقشی همانند گذشته در پرورش نسل آرمان‌خواه و انقلابی ایفا کند؟

بی‌تردید، خانواده تنها یکی از ارکان مؤثر در تربیت است؛ در کنار مدرسه، رسانه، مسجد و... با این حال، نقش آن همچنان تعیین‌کننده است. به همین بهانه، ایکن‌ها گفت‌وگویی با حجت الاسلام سیدمحمد واعظ موسوی، کارشناس و مشاور امور خانواده و تربیت فرزند داشته است تا از نگاه او به نقش امروز خانواده در تربیت فرزندان، به ویژه در پرورش نسل مؤمن و آرمان‌گرا بپردازد. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

نقش خانواده در پرورش نسل انقلابی

ایکن‌ها - نقش خانواده در تربیت فرزندان، به ویژه در پرورش نسل انقلابی و مذهبی، چیست؟

خانواده، اولین و اصلی ترین محیطی است که انسان در آن رشد می کند و تجربه های اولیه زندگی را کسب می کند. پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت همیشه بر این نکته تأکید دارند که شخصیت و رفتار کودکان تحت تأثیر دو عامل اصلی شکل می گیرد: وراثت و محیط. از این دو، محیط خانواده نقش تعیین کننده ای دارد؛ زیرا اولین جایی است که کودک با آن مواجه می شود و در آن ارزش ها، عادات و باورها شکل می گیرد.

می توان تربیت خانواده را با واکسیناسیون مقایسه کرد، وقتی کودک را در برابر بیماری ها واکسینه می کنیم، ویروس ها هنوز وجود دارند، اما سیستم ایمنی آماده مقابله است. به همین ترتیب، اگر کودکان و نوجوانان در خانواده در برابر آسیب های تربیتی «واکسینه» شوند، وقتی وارد محیط بیرون می شوند، تربیتشان خودانگیخته خواهد بود. به این معنا که نیازی به فشار یا نظارت دائمی از سوی دیگران نیست و اصول تربیتی درونی شده اند.

متأسفانه امروز در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر به جای آنکه مربی مهربان و پشتیبان باشند، نقش مجری و قاضی قوانین را همزمان ایفا می کنند. آنها دائماً به فرزند دستور می دهند، محدودیت می گذارند و در عین حال خودشان هم مجری و هم داور قانون هستند. مثلاً قوانینی مثل محدودیت زمان استفاده از موبایل یا قوانین خشک رفتاری در خانه، گاهی به گونه ای اجرا می شود که کودک هیچ فرصت نفس کشیدن و تصمیم گیری مستقل ندارد.

این رفتار باعث می شود اعتماد فرزند به والدینش کاهش یابد. نکته جالب این است که برخلاف باور عمومی به نظر می رسد جامعه امروز چندان «فرزندسالار» نیست و آنها تحت فشار قوانین سخت و کنترل دائمی والدین قرار دارند و این شرایط باعث می شود که به جای خانواده، به منابع غیرقابل اعتماد مثل شبکه های اجتماعی و ماهواره پناه ببرند.

ایکنا- به نظر شما راهکار اصلی برای بازگرداندن اعتماد بین والدین و فرزندان چیست؟

مهمترین کار والدین این است که نقش واقعی خود را بازتعریف کنند، نقش پدری، نقش مادری و لطافت مادرانه نه صرفاً پلیس یا قاضی، بلکه پشتیبان، مربی مهربان و همراه فرزند. اگر خانواده بتواند محیطی ایجاد کند که کودک در آن احساس امنیت و اعتماد کند، تربیت درونی و خودانگیخته شکل می گیرد. در چنین شرایطی، کودک ارزش ها و باورهای درست را از خانواده می آموزد و نیاز ندارد برای هدایت خود به منابع خارجی و گاه مخرب مراجعه کند. به بیان ساده، اگر ما بتوانیم اعتماد فرزندان را جلب کنیم او در مسیر درست هدایت می شود، اما اگر نتوانیم، دیگران این جایگاه را پر خواهند کرد.

ایکنا - چه ویژگی ها و رفتارهایی در والدین باعث می شود نوجوان نسبت به ارزش های دینی و اخلاقی حساس تر شود؟

اولین و مهم ترین شرط این است که خود والدین باورهای دینی و اخلاقی قدرتمند و راسخ داشته باشند. وقتی پدر و مادر فقط ظاهراً مذهبی هستند و باورهایشان سست باشد، طبیعی است که فرزند هم تحت تأثیر این ضعف قرار می گیرد و نمی تواند ارزش ها را جدی گیرد.

خانواده های بسیاری را دیده ام که روزگاری پدران و مادرانشان با ایمان و صلابت، حاضر بودند فرزندان خود را در راه آرمان ها و ارزش هایشان فدا کنند. به یاد دارم مادری که چهار فرزندش در دفاع مقدس شهید شدند، می گفت اگر ۱۰ فرزند دیگر هم داشته باشم، آن ها را هم در راه خدا تقدیم می کنم. این باور راسخ و عمیق، نسل بعدی را هم حساس و متعهد می کند. اما امروز، بسیاری از والدین نه باور عمیق دارند و نه تجربه کافی و این ضعف به طور مستقیم به فرزندان منتقل می شود.

ایکنا - چه عواملی باعث می شود نوجوان امروز ما از هویت دینی و اخلاقی خود فاصله گیرد؟

مهم ترین عامل، ضعف باورها و عدم انسجام خانواده است. وقتی فرزند نمی تواند بین رفتار والدین و ارزش های دینی تمایز قائل شود، سردرگم می شود و کم کم فاصله می گیرد. تجربه نشان می دهد که نوجوانان با تعارض نمی توانند زندگی کنند. یادم می آید بیش از سی سال پیش در خدمت علامه محمدتقی جعفری عرض کردم که می خواهم تحقیقی انجام دهم و به این نتیجه رسیدم که جوان با تعارض زندگی نمی تواند کنار بیاید، اما بزرگسال می تواند.

در زندگی امروز، نوجوان با حجم وسیعی از تضادها و تعارض ها روبه رو است؛ از تعارضات خانوادگی گرفته تا فشارهای اجتماعی، سیاسی و فضای مجازی. وقتی خانواده محیط امن و منسجم ایجاد نکرده باشد، نوجوان قادر نیست این تعارض ها را مدیریت کند و دچار عصیان و طغیان می شود. نتیجه این است که هویت دینی و اخلاقی او آسیب می بیند و فاصله می گیرد.

خانواده اولین محیط تجربه و شکل گیری هویت فرزند است. اگر خانواده باورمند، منسجم و قوی باشد، نوجوان قبل از ورود به جامعه و مواجهه با تعارض های بیرونی، به نوعی واکسینه می شود و کمتر تحت تأثیر مشکلات بیرون قرار می گیرد. اگر خانواده ناپایدار باشد و نتواند باورها و ارزش ها را به خوبی منتقل کند، نوجوان نمی تواند تعارض های جامعه و فضای مجازی را جمع بندی کند و آسیب می بیند. به عبارت دیگر، قدرت باورها و انسجام خانواده، شاخص اصلی در حساس کردن نوجوان نسبت به ارزش های دینی و اخلاقی است. والدینی که خودشان باورمند، پایبند و الگو هستند، می توانند فرزند تربیت کنند که حتی در برابر چالش ها و فشارهای بیرونی نیز هویت خود را حفظ کند.

ایکنا- برای پر کردن این خلأ تربیتی، چه اقداماتی می توان انجام داد؟

نکته مهم این است که تربیت، صرفاً «چه کارهایی باید انجام شود» نیست، گاهی «چه کارهایی نباید انجام شود» هم اهمیت زیادی دارد. اگر والدین از انجام رفتارهای مخرب پرهیز کنند، اثر تربیتی بسیار قوی تر خواهد بود. برای مثال؛ والدین نباید دروغ بگویند. صداقت پایه اصلی تربیت است. نباید پنهانکاری کنند؛ شفافیت و صراحت در رفتار بسیار مهم است. وقتی چیزی نمی دانند، باید فروتنانه بپذیرند و نگویند «می دانم» یا تظاهر کنند. نباید مقدس بازی کنند یا تظاهر به دین داشته باشند؛ رفتار منافقانه یا غیرواقعی والدین، توسط فرزندان کاملاً رصد می شود و باعث شکاف تربیتی می شود.

در واقع، بسیاری از مشکلات تربیتی نوجوانان ناشی از رفتار منافقانه والدین است؛ یعنی وقتی والدین خودشان رفتار دینی و اخلاقی را جدی نمی گیرند، نمی توانند فرزند را به مسیر درست هدایت کنند. نوجوان هر لحظه مراقب رفتار والدین است و کوچک ترین شکاف بین گفتار و رفتار والدین را می بیند. بنابراین، برای تربیت موفق، والدین باید ابتدا رفتار خود را اصلاح کنند و از تظاهر و رفتارهای منافقانه پرهیز کنند و سپس مهارت های حل تعارض و تقویت اعتماد و پایبندی به ارزش ها را به فرزند منتقل کنند.

ایکنا- توصیه شما به خانواده ها در تربیت فرزندان چیست؟

نقش خانواده در تربیت فرزند، محوری و تعیین کننده است. وقتی پدر و مادر، دو رکن اصلی خانواده، دچار اختلاف و بگو مگو می شوند، طبیعی است که فرزند هم تحت تأثیر این فضا قرار می گیرد. تجربه نشان داده حتی کسانی که تحصیل کرده و مذهبی هستند، اگر در خانواده ای رشد کنند که والدین با هم تعارض دارند، در رفتار و انتخاب هایشان دچار مشکل می شوند.

برای مثال، وقتی والدین مدام با هم بحث می کنند و فرزند شاهد تنش بین آنهاست، نمی داند که کدام ارزش درست است یا چه کسی را باید الگو قرار دهد. حتی در مواردی که والدین تلاش می کنند به فرزند بگویند «کدام یک از ما درست می گوید»، فرزند گیج می شود و هیچ کدام از ارزش ها را به شکل صحیح درک نمی کند. خانواده هایی موفق اند که زن و شوهر با هم درگیری و جنجال ندارند؛ ابتدا خودشان آرامش و انسجام دارند، سپس می توانند این آرامش و نظم را به فرزندان منتقل کنند. این آرامش، پایه و زیرساخت تربیت مؤثر است.

ایکنا - چگونه خانواده ها می توانند با بهره گیری از آموزه های دینی و مشارکت فعال در فعالیت های اجتماعی و اخلاقی، هویت اجتماعی فرزندان را تقویت کنند؟

واقعیت این است که نباید والدین را با مأموریت های سنگین و پیچیده به جلو بفرستیم. وقتی به خانواده گفته می شود «تو باید مبانی دینی را برای نسل جدید منتقل کنی»، اغلب این انتظار بیش از توان واقعی والدین است. بسیاری از والدین هنوز خودشان با آموزه ها و ارزش های دینی به شکل کامل انس نگرفته اند و تجربه عملی کافی ندارند. وقتی این افراد بدون آمادگی به فرزند منتقل کنند، به جای اثر مثبت، گاهی حتی به سردرگمی یا آسیب روانی نوجوان منجر می شود.

برای مثال، خانواده هایی را دیده ام که برای مشاوره آمده اند و پرسیده اند: «چطور فرزندم را برای نماز صبح بیدار کنم؟» اگر بدون آموزش دقیق و حمایت درست، صرفاً دستور دهیم، نتیجه آن چیزی نخواهد شد که انتظار داریم. حتی گاهی یک رفتار کوچک ولی ناصحیح، باعث می شود فرزند ارزش ها را جدی نگیرد.

با این حال، خانواده همچنان اولین و مهم ترین محیط تجربه برای فرزند است. نوجوانان پیش از ورود به جامعه و مواجهه با فشارها و تعارض های بیرونی، همه رفتارها، باورها و ارزش های خود را از خانواده یاد می گیرند. در عمل، کمتر خانواده ای پیدا می شود که بتواند این مأموریت را به طور کامل انجام دهد، اما هر اقدامی که والدین برای رشد اخلاقی و دینی فرزند انجام دهند، حتی اگر کوچک باشد، اثر بزرگی خواهد داشت.

ایکنا - نکته پایانی شما برای خانواده ها چیست؟

خانواده ها ابتدا باید خودشان انسجام و آرامش داشته باشند، بعد به تربیت فرزند بپردازند. تربیت بدون آمادگی و توانمندی والدین، مثل ساختن خانه ای بدون مصالح مناسب است؛ نتیجه آن هم قابل پیش بینی است. پدر و مادر باید خودشان الگوی رفتار درست باشند، بعد آموزه ها و ارزش ها را به فرزندان منتقل کنند. این اصل، کلید تربیت فرزندان مؤمن، انقلابی و مسئولیت پذیر است.

گفت وگو از فاطمه برزویی